



This is an open access article under the CC by license.

Journal of Research in Public
Policy (JRPP),
Vol. 1, No. 1 (1), Fall 2025
Received date: 2025.04.25
Accept date: 2025.12.07
Article type: Original Research
PP: 7-27



پژوهشنامه سیاست‌گذاری عمومی
سال اول، شماره ۱ (۱)، پاییز ۱۴۰۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
نوع مقاله: علمی- پژوهشی
صفحات: ۲۷- ۷

Doi:
ISSN:

ارتقای سرمایه اجتماعی از رهگذر انتخاب عقلانی در سیاست‌گذاری عمومی

دکتر لیلا عیسی‌وند*

چکیده

سیاست‌گذاری عمومی مظهر عقلانیت و انتخاب تدبیر برای اصلاح امور و توسعه و رفاه جامعه است و تعامل سیاست‌گذاری و رفاه اجتماعی در تلاقی تخصیص منابع مادی و معنوی صورت می‌گیرد. سیاست‌گذاری عمومی بخشی از جنبش عقلایی کردن زندگی اجتماعی، ابزار تسلط بشر بر پیچیدگی جهان و محصول تعامل دیوانسالاری، نخبگان، گروه‌ها و صنوف اجتماعی- اقتصادی است که هدف اصلی آن نیل به توسعه پایدار است. کارکرد اصلی سیاست‌گذاری عمومی ساماندهی روابط بخش‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی (بهداشت، کشاورزی، صنعت، روابط خارجی و...) با مرجعیت کلان قدرت سیاسی است. علوم سیاست‌گذاری حلقه مفقوده‌ای است که پژوهشگران را در شناخت تجربی پیچیدگی قانونگذاری حکومتی و ماهیت آن یاری می‌دهد. میزان سرمایه اجتماعی در اجرای سیاست‌گذاری عمومی بسیار مهم است؛ سرمایه اجتماعی بالا تضمین کننده اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های عمومی است که در این میان منفعت شهروندان اصل اساسی این ضمانت اجراست. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های کشورهایی از جمله کانادا، ژاپن، دانمارک و نیوزیلند توانسته‌اند به وسیله سیاست‌های عمومی موفق در حوزه‌های مختلف مثل سلامت، زنان و خدمات عمومی سطح سرمایه اجتماعی را افزایش دهند که می‌تواند به عنوان الگو برای بسیاری از کشورها مد نظر قرار بگیرد. تئوری انتخاب عقلانی معتقد است که افراد بر اساس ارزیابی منطقی از هزینه‌ها و منافع تصمیم می‌گیرند و هدف آنها به حداکثر رساندن منافع شخصی خود است. یک رویکرد منطقی به سیاست‌گذاری می‌تواند سرمایه اجتماعی را در جامعه از طریق ایجاد انگیزه برای اقدام جمعی،

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب / ایمیل:

leila.isavand@gmail.com & L_isavand@azad.ac.ir

Article Link:

توانمندسازی سازمان‌های جامعه مدنی، ارتقای اعتماد و همکاری، تشویق به اشتراک‌گذاری اطلاعات و رسیدگی به مشکلات اقدام جمعی ارتقا دهد. با شناخت نقش سرمایه اجتماعی در دستیابی به اهداف جمعی و تمرکز بر سیاست‌هایی که پیوندها و شبکه‌های اجتماعی را تقویت می‌کنند، نظریه انتخاب عقلانی می‌تواند به توسعه جوامع انعطاف‌پذیرتر و منسجم‌تر کمک کند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که منافع شهروندان در چارچوب تئوری انتخاب عقلانی می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت سیاست‌های عمومی باشد. این مقاله با مفروض گرفتن نقش تئوری انتخاب عقلانی در سیاست‌گذاری عمومی در صدد پاسخ به این سوال است که چگونه انتخاب عقلانی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و موفق بودن سیاست‌های عمومی شود. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی، به چگونگی ارتقای سرمایه اجتماعی از رهگذر انتخاب عقلانی در سیاست‌گذاری عمومی می‌پردازد.

کلیدواژگان

سرمایه اجتماعی، سیاست‌گذاری عمومی، انتخاب عقلانی، دولت، توسعه پایدار.

۱- مقدمه

می‌توان گفت پژوهش‌هایی که در ارتباط با سرمایه اجتماعی در بسیاری از کشورها انجام می‌شود مرجع سیاست‌گذاری عمومی قرار می‌گیرد. از زمانی که ادبیات سرمایه اجتماعی جای خود را در میان پژوهشگران خارجی پیدا کرده است تقریباً شش دهه می‌گذرد و امروزه سیاست‌گذاری عمومی بدون اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی تقریباً ناممکن است.

نتایج بررسی‌هایی که از سرمایه اجتماعی به دست می‌آید می‌تواند به سه طریق در تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری وارد شود. هر کدام سوالاتی را درباره صلاحیت سیاست‌گذاری‌های فعلی دولت و تدوین آنها و همچنین درباره موضوعاتی که آیا تغییرات بیشتری مجاز هست و شکلی که ممکن است آنها بگیرند، ایجاد می‌کند.

نخست اینکه، بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های فعلی دولتی به عنوان یکی از اهداف اصلی‌شان، دغدغه توسعه اشکال مختلف سرمایه اجتماعی را دارند، حتی اگر در اهداف عینی شان چنین مسئله‌ای به صراحت بیان نشده باشد.

دوم، برخی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت اگر چه به طور خاص بر سرمایه اجتماعی متمرکز نیست، اما می‌تواند بر آن تأثیرگذار باشد.

سوم، حضور سرمایه اجتماعی عظیم ممکن است دامنه گزینه‌های خط مشی فراروی دولت را گسترش دهد. تقویت و مهار سرمایه اجتماعی در برخی موارد ممکن است نیاز شهروندان به دولت را بکاهد و هر شهروند به یک دستگاه تبلیغ فرهنگی تبدیل شود (بای سلامی غلام حیدر، ۱۳۸۴: ۲۳). دولت مدرن بستر ظهور عقلانیت در جامعه است، چرا که نگرش‌ها و ارزش‌ها تغییر کرده‌اند؛ زوال پیوندهای ایلی و خانوادگی در تشکیل حکومت و برانگیختن احساس هویت ملی و ناسیونالیسم از طریق دیوان‌سالاری با ترکیب ویژگی‌های خاص خود دست‌یافتن به بالاترین حد کارایی را ممکن می‌سازد.

از نظر وبر سرمایه‌داری مظهر توسعه‌یافتگی است و پیشرفت فرایند عقلانیت در سازمان دیوانی عنصر اساسی هر نوع جامعه جدید است. چنین امری با وجود دولت مدرن که اساس آن مبتنی بر ارزش‌هایی چون حقوق شهروندی، آزادی، رقابت، نظام کار آزاد، شایسته‌سالاری، نظم، مشارکت و شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک استوار است، میسر می‌شود.

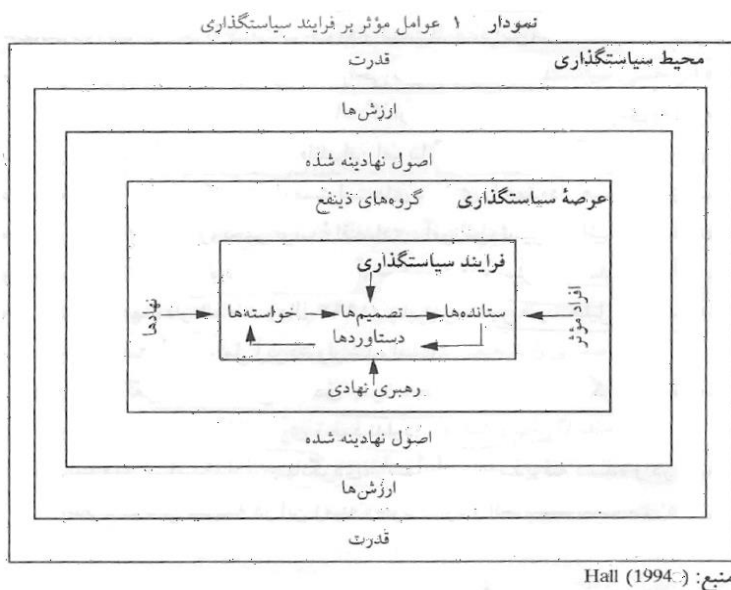
دولت مدرن کارگزار منافع ملی است وظیفه اصلی او سیاست‌گذاری و هدایت منابع و ارائه خدمت و تأمین رفاه مردم و توسعه کشور است. رفاه و توسعه، هدف اصلی دولت است و اگر دولتی فعالیت خود را در جهت نیل و هدف معینی تعقیب نکند، دیگر آن دولت، دولت نیست.

در بررسی تحولات چند قرن اخیر و به ویژه ظهور سرمایه‌داری غربی بیش از هر چیز دیگر به نقش نهاد دولت و سیاست‌گذاری‌های آن توجه کرده‌اند. دولت به دلیل تسلطی که بر منابع مادی و معنوی جامعه دارد، اولین و قدرتمندترین تصمیم‌گیر و کنشگر در عرصه ساختار اجتماعی و اقتصادی

جامعه است؛ زیرا افزون بر تنظیم نظام حقوقی جامعه، سیاست‌گذاری و تخصیص منابع نیز از وظایف اصلی آن است. دولت ماهیتی است که بررسی کنش و عمل آن موضوع اصلی مباحث سیاست‌گذاری عمومی است. در واقع سیاست‌گذاری عمومی تجلی اراده حکومت در عمل و مجموعه‌ای ساختاری و متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمالی است که به منزله اقتدار محیط در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی قابل ارائه‌اند (بدریکوهی، ۱۳۹۶: ۴۵).

آنچه وبر در خصوص دولت مدرن ارائه کرده و مجموعه مفاهیمی که درباره مشروعیت عقلانی و قانونی و کنش عقلانی معطوف به هدف برای غالب شهروندان و تصمیم‌گیران در دولت مدرن تعریف کرده و آنچه در قالب مفهوم سازمان عقلانی کار ارائه می‌کند هنوز بستر مناسبی برای تحلیل وجوه مختلف سیاست‌گذاری عمومی است. عقلانیتی که وبر آن را به عنوان ویژگی اصلی دنیای مدرن معرفی کرده است و حرکتی است که براساس آن انسان کوشش می‌کند تا بر دنیای خارج خود بیشتر مسلط شود.

منبع: Anthony Hall (2008, 39)



سیاست‌گذاری مبتنی بر قدرت حکومت و فرآیندهای سیاسی جامعه است و علم سیاست و سیاست عمومی را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. علم سیاست به مفهوم قدرت و فرآیند چگونگی کسب و اعمال آن می‌پردازد و مفهوم قدرت به مجموعه‌ای معین از ارزش‌ها وابسته است که از پیش، دامنه و قلمرو به کارگیری این مفهوم را مشخص می‌کند. هرگاه قرار باشد تصمیمات

تعیین‌کننده‌ای گرفته شود، اولویت به سیاست داده می‌شود. با توجه به خاستگاه ارزش و قدرت، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تحلیل و ارزیابی نحوه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ارائه شده است. سیاست‌ها محصول محیط سیاسی، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها، قدرت، اصول نهاده شده و فرآیند تصمیم‌گیری هستند.

بنابراین، سیاست‌گذاری‌ها تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و همچنین تحت تأثیر ساختارهای حکومت و دیگر ویژگی‌ها و عوامل نظام سیاسی قرار دارند و بر محیط اطراف خود در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند و از آنها تأثیر می‌پذیرند. نمودار شماره (۱) نمایی از این امر را نشان می‌دهد.

۲- چارچوب نظری: انتخاب عقلانی در سیاست‌گذاری عمومی

در سیاست‌گذاری عمومی نیز همانند سایر رشته‌های علمی برخی از مدل‌ها دارای کاربرد و شهرت بیشتری هستند و برخی دیگر کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. از جمله مدل‌هایی که در سیاست‌گذاری عمومی کاربرد وسیعی دارد، مدل انتخاب عقلانی است.

در این مدل هدف از اتخاذ سیاست‌گذاری حداکثرسازی سود اجتماعی است، بنابراین دولت‌ها باید سیاست‌های عمومی را به گونه‌ای انتخاب کنند که منافع آن بیشتر از هزینه‌هایش باشد. دو رهنمود اصلی این مدل آن است که اولاً از انتخاب خط مشی‌هایی که هزینه‌اش بیشتر از منافع است باید اجتناب شود و ثانیاً از بین آنها، تصمیم‌گیرندگان باید آن نوع از سیاستی را اتخاذ نمایند که بیشترین سود را با توجه به هزینه‌هایش داشته باشد.

بنابراین سیاستی بهترین است که تفاوت بین ارزش‌هایی که به‌دست می‌آورد با ارزش‌هایی که قربانی می‌کند مثبت باشد و از هر بدیل دیگری نیز بهتر باشد. با این حال ارزش‌ها صرفاً مادی نیست و شامل محاسبه همه ارزش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود.

در این مدل سیاست‌گذاران برای انتخاب یک سیاست عمومی باید به موارد زیر تسلط داشته

باشند:

- همه ارزش‌های جامعه و وزن نسبی آنها را بدانند؛
- همه سیاست‌های جایگزین ممکن را بدانند؛
- از پیامد حاصل از اتخاذ هر یک از سیاست‌های موجود اطلاع داشته باشند؛
- در مورد هر سیاست، نسبت منافع به هزینه‌ها را محاسبه کنند؛
- بهترین خط مشی ممکن را از حیث کارآمدی و اثربخشی انتخاب نمایند.

از این رو می‌توان گفت این مدل مبتنی بر چند پیش‌فرض است: اول آنکه شناخت همه ترجیحات جامعه و تعیین وزن آنها ممکن است؛ دوم آنکه این مدل بر اساس وجود اطلاعات کامل در مورد سیاست‌ها، پیامدهای آنها و توان محاسبه هزینه و فایده هر یک قرار دارد؛ و سوم آنکه شناخت اهداف کامل در سیاست‌گذاری امکان‌پذیر است. پدیده‌ها و مسائل سیاسی و اجتماعی با انسان‌ها و روابط انسانی سروکار دارند و با توجه به پیچیده بودن سرشت انسان این پدیده‌ها و مسائل نیز ماهیتی پیچیده دارند؛ به این دلیل و به منظور شناخت بهتر موضوعات مختلف و از جمله پدیده‌های سیاسی-اجتماعی، پژوهشگران دست به ساده سازی این پدیده‌ها و ارائه مدل می‌زنند. نظریه پردازان سیاست‌گذاری عمومی نیز همانند محققان سایر رشته‌ها جهت تبیین مسائل و موضوعات سیاسی از مدل استفاده می‌کنند مدل‌ها به انواع گوناگونی تقسیم بندی می‌شوند اما مدل‌هایی که در سیاست‌گذاری عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند اغلب از نوع قیاسی می‌باشند.

یک مدل معمولاً دارای این ویژگی‌ها است:

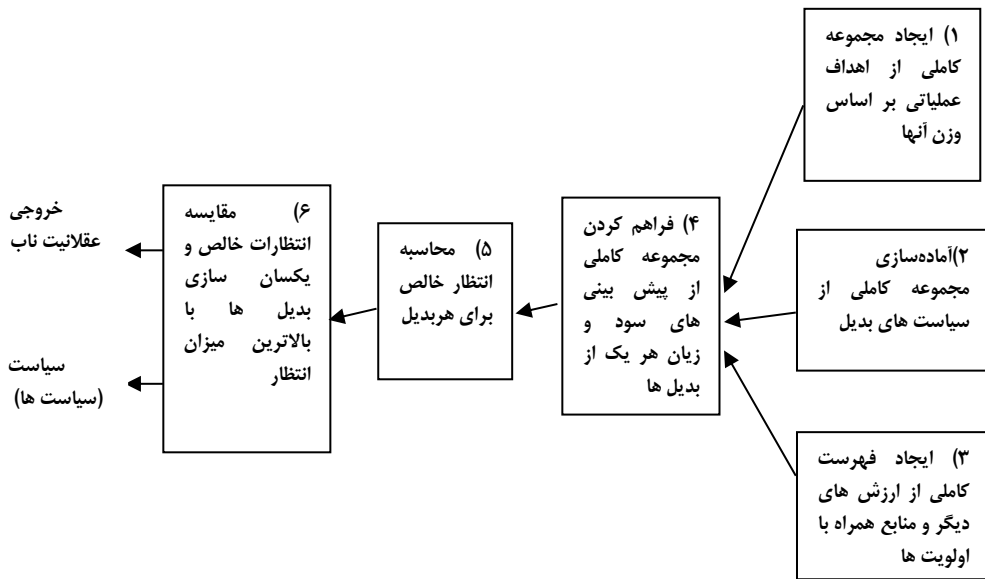
- ساده سازی و نمایش ذهنیت ما درباره سیاست‌ها و خط مشی‌ها؛
- تعیین جنبه‌های مهم یک پدیده سیاستی؛
- کمک به برقراری ارتباط بین سیاست‌گذاران از طریق تاکید بر مشخصه‌های مهم یک پدیده؛

- ارائه توضیحات درباره یک خط‌مشی و پیش‌بینی پیامدهای آن. (ماکویی، ۱۳۸۸: ۱۳).
سیاست‌گذاری در الگوی انتخاب عقلانی، درصدد دست یابی به «حداکثر فایده اجتماعی» است. یعنی دولت‌ها، سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که پیگیری آن، حداکثر فایده و حداقل هزینه را برایشان در پی داشته باشد و هزینه بیشتر از فایده نباشد.

سیاست‌گذاران در گزینش سیاست عقلانی باید: (۱) از تمام ترجیحات ارزشی جامعه و وزن نسبی آنها مطلع باشند، (۲) تمام بدیل‌های سیاسی در دسترس را بدانند، (۳) در مورد نتایج هر یک از بدیل‌های سیاسی شناخت داشته باشند، (۴) میزان سود به هزینه هریک از بدیل‌ها را محاسبه نمایند، (۵) مؤثرترین بدیل سیاسی را گزینش کنند و (۶) عقلانیت گرایی بر این فرض است که ترجیحات ارزشی جامعه را به طور کلی می‌توان شناخت و وزن هر یک را مشخص نمود. شناخت و وزن ارزش‌های برخی گروه‌ها کافی نیست. باید فهم کاملی از ارزش جامعه‌ای وجود داشته باشد. همچنین، سیاست‌گذاری عقلانی نیازمند اطلاعاتی در مورد سیاست‌های بدیل، ظرفیت قابل پیش بینی از نتایج سیاست‌های بدیل و آگاهی از محاسبه دقیق میزان سود و زیان است. در نهایت، سیاست‌گذاری عقلانی نیازمند نظام تصمیم‌سازی است که عقلانیت را در شکل دهی سیاسی تسهیل نماید. اهداف چنین نظامی در شکل زیر نشان داده شده است (ماکویی، ۱۳۸۸: ۱۹).

شکل شماره (۱): خروجی انتخاب عقلانی در سیاست عمومی

ماکویی، (۱۳۸۸: ۱۳)



۳- بلوک‌های سازنده انتخاب عقلانی

۳-۱- فرض عقلانیت:

نخستین بلوک سازنده مدل عقلایی، فرض عقلایی بودن است که طبق آن، افراد در فرایند سیاست‌گذاری عقلایی هستند و رفتار کارگزاران را می‌توان به بهترین صورت به وسیله نسبت دادن عقلانیت به آنها توضیح داد. در چنین حالتی، روند اصلی انتخاب عقلانی برای توضیح نتایج سیاست‌گذاری‌هایی که در اقدامات مبتنی بر هدف افراد ریشه دارند، مناسب است.

۳-۲- رتبه بندی منسجم ترجیحات:

چنان که در مورد قبل بیان شد، فرض عقلایی بودن مبتنی بر تعدادی صفات جسورانه است که به بازیگران به صورت انفرادی نسبت داده می‌شوند، به عنوان مثال، بازیگران عقلایی حتی در هنگام رویارویی با موقعیت‌های پیچیده (از نظر اطلاعاتی، زمانی و عینی بودن) دارای ظرفیت لازم برای انتخاب روال عمل بهینه‌ای که در پیش رویشان قرار دارد، هستند. مطلب مهم آن است که بازیگران انفرادی باید در کنار آن که فرض عقلایی بودن را دارا هستند، دارای تمایلات یا

اولویت‌هایی رتبه‌بندی شده و سازگار از نظر پایداری یا انتقال‌پذیری نیز باشند. در واقع رتبه‌بندی اولویت‌ها نشان‌گر این مطلب است که افراد قادرند سلسله‌مراتبی از خواسته‌ها و رجحان‌های خود را تشکیل دهند که البته این اولویت‌ها با یکدیگر قابل مقایسه نیز هستند. همچنین شرایط انتقال‌پذیر بودن ایجاب می‌کند که سازگاری ویژه‌ای میان اولویت‌ها برقرار باشد.

۳-۳- فردگرایی روش‌شناختی

مدل‌های انتخاب عقلانی بیشتر توضیحات و تفاسیر خود در نتایج سیاست‌گذاری را بر پایه اعمال افراد قرار داده و برای نقش افراد در مقایسه با ساختارهای اجتماعی اهمیت ویژه‌ای قائل است. به همین دلیل برای ساختارهای اجتماعی وضعیتی مستقل از افرادی که آنها را تشکیل می‌دهند در نظر گرفته نمی‌شود. در این حالت تنها بازیگرانی که می‌توانند انتخاب کنند، ترجیح دهند، باور داشته باشند، یاد بگیرند و بنابراین جامعه مستقل از آنها عمل نمی‌کند. به این ترتیب، ساختارهای اجتماعی از طریق نتیجه جمعی محاسبات و راهبردهای بیشینه‌سازی منافع بازیگران انفرادی تفسیر می‌شوند، به گونه‌ای که نهادها به «محصولات ابزاری به کار گرفته شده توسط افراد برای بیشینه کردن منافع مورد نظرشان» تبدیل می‌شوند. باید اشاره داشت آنچه این بلوک‌های سازنده در تئوری انتخاب عقلایی به دست می‌دهند؛ راهی راحت‌تر و میان‌بر است که در آن سیاست‌گذاری مانند علوم طبیعی قادر خواهد بود از طریق فرایند استقرایی، فرضیه‌هایی پیش‌بینانه و آزمودنی را ایجاد کند.

بر این اساس برای انتخاب یک سیاست عقلایی، سیاست‌گذاران نه تنها باید بر همه اولویت‌های جامعه و اهمیت آنها واقف باشند بلکه با همه گزینه‌های موجود سیاست آشنا باشند و پیامدهای احتمالی را برای همه گزینه‌های سیاست پیش‌بینی کنند و ضمن محاسبه منفعت به هزینه، کاراترین گزینه را به عنوان سیاست مطلوب انتخاب نمایند.

به این ترتیب، پیچیدگی‌های فراوان اعم از هر دو فرایند انگیزش افراد و تصمیم‌گیری و همچنین تهیه مجموعه‌ای از اطلاعات به خارج از محدوده تبیین انتخاب عقلایی هدایت می‌شود. نظریه انتخاب عقلانی براساس مفروضات و مبانی زیر بنا شده است. ترنر در ساخت نظریه اجتماعی آنها را به این شرح آورده است:

- انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند؛
- افراد سلاقی یا منافع خود را براساس اهمیت هر کدام از آنها رتبه‌بندی می‌کنند؛
- انسان‌ها در انتخاب روش‌های رفتار از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند.
- (با رعایت موارد زیر)
- منافع حاصل از روش‌های جایگزین رفتار، با رجوع به سلسله‌مراتب امیال و ترجیحات فرد مشخص می‌شود.

- هزینه استفاده از هر روش برابر است با صرف نظر کردن از منافع سایر روش‌ها (هزینه فرصت از دست رفته)
- روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود.
- پدیده‌های اجتماعی بیرونی مثل ساختارهای اجتماعی، تصمیمات جمعی و رفتار جمعی، ناشی از تصمیمات عاقلانه افرادی است که سود خود را به حداکثر می‌رسانند.
- پدیده‌های اجتماعی بیرونی که از تصمیمات عقلانی افراد ناشی شده، تشکیل یک مجموعه از عوامل را می‌دهد که سایر انتخاب‌های عقلانی بعدی افراد را به وسیله عوامل ذیل مشخص می‌کند:

۱. توزیع منابع به اشخاص

۲. توزیع فرصت‌ها و امکانات برای انواع مختلف رفتارها

۳. چگونگی توزیع هنجارها و تعهدات در یک موقعیت خاص و ماهیت این هنجارها

و تعهدات (Lascoumes and LeGales, 2007: 67).

ذکر این نکته نیز لازم است که نظریه انتخاب عقلانی، این ادعا را ندارد که همه کنش‌ها عقلانی‌اند و همه انسان‌ها عقلانی عمل می‌کنند، بلکه به نظر کرایب می‌توان گفت «مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی را به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌کند و دیگر اینکه وقتی سعی می‌کنیم کنش انسانی را درک کنیم، باید تبیین‌ها و الگوهای عقلانی را در اولویت قرار دهیم. از طرف دیگر، با اهمیت دادن به کنش عقلانی، راه را برای نگاه کردن به سایر انگیزه‌ها باز می‌کنیم، یعنی با نگرستن به شیوه تفاوت واقعیت با آنچه که در صورت عقلانی بودن کنش افراد می‌توان انتظار داشت، امکان کشف جنبه‌های شالوده‌ای یا دست کم غیرعقلانی رفتار آنها ممکن است.

۴- سرمایه اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی

«جیمز کلن»^۱ اولین محققی بود که به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخت. وی به کارکرد سرمایه اجتماعی توجه دارد و به نظر او سرمایه اجتماعی بخشی از «ساختار اجتماعی»^۲ است که به کنش‌گر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی

1- James coleman

2- Social structure

3- Sanction

شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع رسانی، هنجارها و «ضمانت اجرایی»^۳ است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا مانع آن می‌شوند. سرمایه اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که روابط بین افراد به گونه ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۳).

به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه شکل ظاهر شود:

اول: تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت محیط اجتماعی دارد.

دوم: ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی که بتواند پایه‌ای برای کنش

فراهم نماید.

سوم: هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی باشند.

وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی بر ای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخگو و کارآمد فراهم می‌سازند، اما در مقابل، تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی در حوزه برنامه‌ریزی منجر می‌شود. کلمن جامعه شناس آمریکایی تعریفی از سرمایه اجتماعی و اشکال آن ارائه می‌دهد که بر همین پایه استوار است. وی از طرفداران نظریه انتخاب عقلانی است و مهم‌ترین شخصی است که باعث رشد این نظریه در جامعه‌شناسی معاصر شد. نظریه انتخاب عقلانی باور دارد که تمام رفتارها از تعقیب افراد برای سودشان سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین تعامل اجتماعی به عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود و سرمایه اجتماعی برای او وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر برای کسب رفاه اجتماعی است. نتیجه اینکه او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری، روابط دو جانبه و توسعه اجتماعی می‌داند (هاشم زهی و اصغری، ۱۳۹۸: ۲۲).

سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست. اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی

تولید قرار دارد؛ به نظر کلمن سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانست به دست آید یا با هزینه بیشتری ممکن بود به دست آید، تسهیل می‌کند.

نظریه انتخاب عقلانی را بر اساس تقسیم‌بندی ریتزر از انگاره‌های جامعه‌شناختی باید جزء انگاره تعریف اجتماعی دانست. ریتزر موضوع مطالعه انگاره تعریف اجتماعی را جهان ذهنی خرد و آن بخش از جهان عینی خرد که به فراگردهای ذهنی (یعنی کنش) می‌پردازد، می‌داند (آذر رشتیانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳).

براساس یک الگوی تلفیقی می‌توان جایگاه نظریه انتخاب عقلانی را در پیوستار کنش و نظم یافت. بر این اساس نظریه انتخاب عقلانی را باید نظریه بررسی کنش فردی دانست.

حتی در جایی که کنش‌های جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بیش از آنکه به مانند نظریات کلان، ساختارهای کلان و نهادهای اجتماعی واحد تحلیل واقع شود، کنش‌های جمعی به کنش‌های فردی تجزیه شده و کنش فردی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بعد از تقسیم‌بندی توافقی - تضاد، انتخاب عقلانی را باید طرفدار توافقی دانست. بنابر پیش فرض اقتصاد کلاسیک که معتقد به عدم مداخله دولت در بازار و نظم خودبه‌خودی که توسط ساز و کارهای درونی بازار ایجاد می‌شود، نظریه انتخاب عقلانی جامعه را در وضعیت عادی خویش سرشار از توافقی می‌داند. کرایب اشاره می‌کند: «ثبات و نظم را افرادی پدید می‌آورند که دست به انتخاب‌های عقلانی آزاد می‌زنند. در چنین حالتی ماهیت نظام یافته جامعه نتیجه آن چیزی تلقی می‌شود که آدام اسمیت آن را «دست نامرئی» نامیده است» (فرهادی، ۱۳۹۷: ۱۲).

یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و متولیان توسعه، شناخت مزیت‌های نسبی و یکپارچه سازی اهداف در سطوح مختلف برنامه‌ریزی جهت دستیابی به اهداف پیش رو است. سیاست‌گذاران هر کشور برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار دارای قابلیت‌های بالقوه و محدودیت‌های متنوعی می‌باشند که اگر در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از چشم آنها در فرایند تصمیم‌گیری پنهان بماند و یا مورد توجه واقع نشود، نتایج نامطلوبی را به همراه خواهد داشت و دست یابی به اهداف توسعه را ناممکن می‌سازد. بهترین برنامه‌های عملیاتی فرایند توسعه تنها با تأکید بر سرمایه اجتماعی که دارای مزیت‌های نسبی در جامعه باشد امکان پذیر خواهد بود. یکی از مهمترین سرمایه‌های هر جامعه ای که از مؤلفه‌های اساسی و مؤثر در توسعه پایدار یک کشور محسوب می‌شود، سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که زیر بنای توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک کشور است. از سرمایه اجتماعی، به عنوان زیربنای توسعه پایدار هر جامعه یاد می‌کنند. ارتقای سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که سرمایه‌های انسانی، سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند با هم و در تعامل با یکدیگر، به رشد و پویایی دست یابند. سرمایه اجتماعی را در هر کشور

می‌توان در اعتمادپذیری و روحیه همکاری و مشارکت جمعی میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف توسعه ای جامعه تعریف کرد.

از رهگذر این سرمایه حیاتی است که انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همدلی، همگامی و همبستگی در جامعه فراهم می‌شود و کاهش آن منجر به کاهش مشارکت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان می‌شود و همچنین رشد آسیب‌ها و جرایم اجتماعی، بی‌اعتمادی، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت نسبی و بسیاری از ناهنجاری‌ها نتیجه نزول سرمایه اجتماعی است.

شکل شماره (۲)

(نتیجه انتخاب عقلانی در سیاست‌گذاری عمومی: سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار)

اتخاذ تصمیمات عقلانی از سوی سیاست‌گذاران



بیشینه کردن منافع شهروندان



افزایش اعتماد و مشارکت اجتماعی در جامعه



ارتقای سرمایه اجتماعی



حرکت به سمت توسعه پایدار

بررسی‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه طریق در تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری وارد شود. هر کدام سؤالاتی را درباره صلاحیت سیاست‌گذاری‌های فعلی دولت و تدوین آنها و همچنین درباره موضوعاتی که آیا خط‌مشی‌های بیشتر مجاز هست و شکلی که ممکن است آنها بگیرند، ایجاد می‌کند.

نخست، بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های فعلی دولتی به عنوان یکی از اهداف اصلی‌شان، توسعه اشکال سرمایه اجتماعی را دارند، حتی اگر اهداف عینی‌شان همیشه در چنین بیانی نیامده باشد.

دوم، برخی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت اگر چه به طور خاص بر سرمایه اجتماعی متمرکز نیست، اما می‌تواند بر آن تاثیر گذار باشد.

سوم، حضور سرمایه اجتماعی عظیم ممکن است دامنه گزینه‌های خط‌مشی فراروی دولت را گسترش دهد. تقویت و مهار سرمایه اجتماعی در برخی موارد ممکن است نیاز شهروندان به دولت را بکاهد و هر شهروند به یک دستگاه تبلیغ فرهنگی تبدیل شود.

موفقیت در سیاست‌های عمومی به چند دلیل مهم است: اولاً، سیاست‌های عمومی مؤثر و اجرا شده می‌تواند چالش‌های اجتماعی را برطرف کرده و زندگی شهروندان را بهبود بخشد. آنها می‌توانند رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی را ارتقا دهند. علاوه بر این، سیاست‌های عمومی موفق می‌تواند منجر به افزایش اعتماد به دولت و نهادهای عمومی شود و احساس ثبات و امنیت را در جامعه تقویت کند. همچنین سیاست‌های عمومی موفق می‌تواند به ایجاد جوامع قوی و انعطاف‌پذیر، ارتقای سلامت و ایمنی عمومی و کمک به جامعه‌ای هماهنگ‌تر و فراگیر کمک کند. دولت‌ها با اولویت‌بندی سیاست‌های عمومی خوب تدوین شده و اجرا شده، می‌توانند تعهد خود را به خدمت به منافع عمومی و ارتقای منافع عمومی نشان دهند. در نهایت، موفقیت در سیاست‌های عمومی برای ایجاد جامعه‌ای بهتر، عادلانه‌تر و مرفه‌تر برای همه ضروری است.

سرمایه اجتماعی بالا، نظریه عقلانی و سیاست‌های عمومی موفق در جامعه از چند طریق به هم مرتبط هستند:

سرمایه اجتماعی به شبکه‌هایی از روابط و اعتماد در یک جامعه اشاره دارد که افراد را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر برای منافع مشترک با یکدیگر همکاری کنند. تئوری انتخاب عقلانی معتقد است که افراد بر اساس نفع شخصی منطقی تصمیم می‌گیرند. هدف سیاست عمومی موفق رسیدگی به چالش‌های اجتماعی و ارتقای رفاه مردم است.

سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند منجر به اجرای سیاست‌ها و نتایج موثرتر شود. هنگامی که افراد به یکدیگر اعتماد می‌کنند و با یکدیگر همکاری می‌کنند، به احتمال زیاد از طرح‌های سیاست عمومی حمایت می‌کنند و در آن شرکت می‌کنند. این می‌تواند منجر به نتایج بهتر و افزایش موفقیت برای این سیاست‌ها شود.

تئوری انتخاب عقلانی پیشنهاد می‌کند که افراد هنگام تصمیم‌گیری به نفع خود عمل می‌کنند. سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند افراد را تحت تاثیر قرار دهد تا خیر جمعی را در نظر بگیرند و به نفع کل جامعه با دیگران همکاری کنند. این می‌تواند منجر به توسعه و اجرای سیاست‌های عمومی موثرتر و پایدارتر شود.

سیاست‌گذاری عمومی موفق، اغلب به همکاری و هماهنگی ذینفعان مختلف از جمله سازمان‌های دولتی، سازمان‌های اجتماعی و تک تک شهروندان نیاز دارد. سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند ارتباطات و همکاری میان این گروه‌ها را تسهیل کند و منجر به اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌هایی شود که نیازهای جامعه را برطرف کرده و رفاه کلی را بهبود می‌بخشد.

در نتیجه، سرمایه اجتماعی بالا، نظریه عقلانی و سیاست عمومی موفق مفاهیمی به هم مرتبط هستند که می‌توانند برای ایجاد جامعه‌ای منسجم تر و مؤثرتر با یکدیگر همکاری کنند. با ایجاد اعتماد و همکاری بین افراد و ترویج سیاست‌هایی که منافع مشترک را در نظر می‌گیرند، جوامع می‌توانند به موفقیت و رفاه بیشتر برای همه اعضا دست یابند.

۵- وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران:

در مقاله ای با عنوان «فرا تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران: موج دوم» که در سال ۱۳۸۷ توسط امیر سیاه پوش به اجرا در آمده است، هدف تحقیق، شناخت وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، بررسی سیر تحول و عوامل و موانع شکل‌گیری و ارائه راهکارهایی برای افزایش سرمایه اجتماعی است. تحقیق با روش فراتحلیل صورت گرفته و از نتایج ۶۱ عنوان پژوهش (شامل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا، تحقیقات میدانی و مقالات علمی- پژوهشی) مرتبط با موضوع استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در حوزه‌های گوناگون، وضعیت سرمایه اجتماعی یکسان نیست؛ درمیان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی میزان اعتماد به خانواده و نیز میزان ارتباطات اجتماعی بالاست. در حوزه سیاسی میزان اعتماد به نظام سیاسی بالا، میزان اعتماد به نهادهای سیاسی متوسط و میزان اعتماد به کنشگران سیاسی پایین بوده است. همچنین میزان مشارکت مردم در حوزه‌های گوناگون اجتماعی بسیار پایین است. مجموعه یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر مردم میزان ارزش‌هایی مثل صداقت، امانتداری و گذشت در بین مردم پایین است و میزان رواج ضد ارزش‌هایی چون کلاهبرداری و چالپوسی بالا است.

افول سرمایه اجتماعی

در جامع ترین ارزیابی، موسسه لگاتوم از سال ۲۰۰۷ سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از شاخص های کامیابی در کشورهای دنیا می‌سنجد. این شاخص امکان رتبه بندی کشورها را بر اساس میزان سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند. در این رتبه بندی حدود ۱۶۰ کشور وجود دارند.

جدول ۱. رتبه سرمایه اجتماعی ایران در دنیا

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
رتبه در دنیا	۸۳	۹۶	۹۸	۱۰۳	۶۰	۶۰	۵۴	۶۵	۷۴	۷۴	۷۰

منبع: Legatum, 2017

1. Legatum Institute

آمارها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۱۷ همچنان وضعیت قابل قبولی از سرمایه اجتماعی وجود دارد اما به تدریج، افول سرمایه اجتماعی در ایران رخ می‌دهد به‌طوری که طی ۶ سال بعد یعنی در پایان سال ۲۰۲۳ جایگاه ایران از رتبه ۷۰ به رتبه ۱۲۶ در میان ۱۶۷ کشور تنزل پیدا می‌کند.

اگرچه رتبه ایران در سال ۲۰۱۷ نسبت به سال قبل بهبود یافته است، اما وضعیت کلی آن در دنیا مناسب نیست. بهترین وضعیت ایران مربوط به سال ۲۰۱۳ است که رتبه ۵۴ در این سال، طی سه سال بعد روند افزایشی را نشان می‌دهد. مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران با کشورهای خاورمیانه نیز وضعیت مشابهی دارد، در سال ۲۰۱۷، ایران در بین بیست کشور خاورمیانه رتبه دهم را به خود اختصاص داده است که این وضعیت رضایت‌بخش نیست.

علاوه بر بررسی‌های بین‌المللی، تحقیق‌های داخلی زیادی پیرامون وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام گرفته است. بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی به صورت پیمایشی و در قالب طرح ملی در ۳۰ استان نیز انجام پذیرفته است. دور اول این طرح در سال ۱۳۸۳ انجام گرفته و نتایج نشان داده است سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت پایین رو به متوسط دارد. دور دوم طرح ده سال بعد و در سال ۱۳۹۳ مشابه دور قبل و در سطح ۳۱ استان انجام شده است. پیمایش دور اول و در سطح شهری و دور دوم در سطح شهری و روستایی انجام گرفته است که نتایج این مطالعات کاهش سرمایه اجتماعی در ایران را در شاخص‌های مختلف نشان می‌دهد (حمیدی زاده، ۱۳۹۷: ۷). از پژوهش‌های دیگر دلایل افول سرمایه اجتماعی می‌توان به مقاله دینی ترکمانی در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد که در رابطه عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به این موضوع پرداخته است. عبداللهی و موسوی هم در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان گذار» یافته‌های پژوهش خود را مبنی بر افول سرمایه اجتماعی در ایران بیان کرده اند. ر اساس نتایج، آینده سرمایه اجتماعی کشور وضعیت ناپایداری خواهد داشت.

جدول ۲: رتبه سرمایه اجتماعی ایران در دنیا ۲۰۲۳

Year	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
Rank	۱۱۸	۱۱۵	۱۲۰	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶

منبع: Legatum

۶- وضعیت اقتصادی پایدار و سرمایه اجتماعی

وضعیت اقتصادی پایدار به روش‌های مختلف می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند. از مهمترین مولفه‌های تاثیرگذار بر سرمایه اجتماعی می‌توان به وضعیت پایدار اقتصادی اشاره نمود. در یکی از مطالعات اخیر که در کشور چین بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ انجام شده است پایداری اقتصادی به عنوان یک عامل بسیار مهم و تاثیرگذار در سرمایه اجتماعی قلمداد شده است. (xin liu and others, 2025: 6)

به این ترتیب پایداری اقتصادی از طریق این شاخص‌ها بر سرمایه اجتماعی تاثیر مستقیم دارد:

ایجاد فرصت‌های شغلی:

وقتی اقتصاد پایدار است، فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد می‌شود. این امر می‌تواند به تعامل اجتماعات محلی و افزایش روابط میان افراد منجر شود. زمانی که افراد در محیط‌های کاری مشترک در کنار هم قرار می‌گیرند، روابط اجتماعی و اعتماد متقابل تقویت می‌شود.

کاهش نابرابری‌های اقتصادی:

در یک اقتصاد پایدار، تلاش برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بیش از پیش در دستور کار قرار می‌گیرد. کاهش نابرابری‌ها می‌تواند به ایجاد حس تعلق و همبستگی اجتماعی کمک کند و موجب تقویت سرمایه اجتماعی شود.

پشتیبانی از کسب‌وکارهای محلی:

اقتصاد پایدار معمولاً بر روی حمایت از کسب‌وکارهای محلی و مشاغل کوچک تأکید دارد. این فرآیند نه تنها به تقویت اقتصاد محلی کمک می‌کند بلکه به تقویت روابط میان اعضای جامعه و اعتماد به یکدیگر نیز می‌انجامد.

مشارکت مدنی و اجتماعی:

توسعه اقتصادی پایدار با افزایش فرصت‌های مربوط به مشارکت اجتماعی و مدنی همراه است. زمانی که مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری اقتصادی و اجتماعی مشارکت می‌کنند، اعتماد بیشتری به یکدیگر و به نهادها پیدا می‌کنند که این خود به تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

توسعه زیرساخت‌ها:

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی مانند حمل‌ونقل، آموزش و بهداشت در یک اقتصاد پایدار می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی کمک کند. دسترسی راحت‌تر به خدمات عمومی و امکانات، ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کند و به ایجاد روابط مثبت میان افراد منجر می‌شود.

تقویت حس مسئولیت اجتماعی:

در یک اقتصاد پایدار، تمرکز بر روی مسئولیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی کمک کند. وقتی افراد احساس کنند که به راحتی می‌توانند در امور اجتماعی

و اقتصادی و محیط‌زیستی تأثیرگذار باشند، تمایل بیشتری برای همکاری و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی خواهند داشت.

افزایش کیفیت زندگی:

وضعیت اقتصادی پایدار معمولاً به بهبود شرایط زندگی، از جمله آموزش و بهداشت، منجر می‌شود. این بهبودها نه تنها کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد بلکه باعث ایجاد روابط اجتماعی قوی‌تر و اعتماد بیشتر میان اعضای جامعه می‌شود.

نمونه‌های دیگر سیاست عمومی موفق و ارتقای سرمایه اجتماعی در کشورهای مختلف چند نمونه از سیاست‌های عمومی موفق و سرمایه اجتماعی بالا در کشورهای مختلف عبارتند از:

۱. دانمارک: دانمارک به دلیل وضعیت رفاهی قوی، سطح بالای اعتماد و همکاری بین شهروندان و شبکه‌های اجتماعی به خوبی توسعه‌یافته، همواره در رتبه‌های بالای سرمایه اجتماعی قرار دارد. سیاست‌های عمومی مانند آموزش رایگان، مراقبت‌های بهداشتی همگانی، و شبکه‌های قوی ایمنی اجتماعی به سطح بالای سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.

۲. ژاپن: ژاپن به دلیل سرمایه اجتماعی قوی خود که با اعتماد، همکاری و پیوندهای اجتماعی قوی مشخص می‌شود، شناخته شده است. سیاست‌های عمومی که انسجام اجتماعی و حمایت متقابل را ترویج می‌کنند، مانند طرح‌های مبتنی بر جامعه و برنامه‌های آمادگی در برابر بلایا، به سرمایه اجتماعی بالای ژاپن کمک می‌کنند.

۳. کانادا: کانادا دارای سنت قوی اعتماد اجتماعی و همکاری است که در سطوح بالای سرمایه اجتماعی آن منعکس شده است. سیاست‌های عمومی ترویج تنوع، شمول و رفاه اجتماعی به سرمایه اجتماعی بالای کانادا و نتایج موفق سیاست‌های عمومی کمک می‌کند (Shiori Tanaka and Koji Tokimatsu, 2020: 69).

۴. نیوزیلند: نیوزیلند روی سیاست‌هایی سرمایه‌گذاری کرده است که انسجام اجتماعی، مشارکت جامعه و فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر را ارتقا می‌دهد که منجر به سطوح بالایی از سرمایه اجتماعی می‌شود. سیاست‌های عمومی حمایت از حقوق بومیان، حفاظت از محیط زیست، و حکومت مشارکتی به موفقیت نیوزیلند در ایجاد سرمایه اجتماعی کمک کرده است.

این مثال‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های عمومی موفق و سرمایه اجتماعی بالا دست به دست هم می‌دهند، با ابتکارات پیشگیرانه دولت و تلاش‌های جامعه محور که نقش مهمی در تقویت اعتماد، همکاری و حمایت متقابل بین شهروندان ایفا می‌کنند.

۷- نتیجه گیری

مفهوم سرمایه اجتماعی که توسط جامعه‌شناس پیر بوردیو و دانشمند علوم سیاسی رابرت پاتنام رایج شده است، اشاره به شبکه‌ها و روابطی دارد که در یک جامعه وجود دارد و می‌توان از آنها برای منافع متقابل استفاده کرد. این ارتباطات می‌تواند اشکال مختلفی مانند اعتماد، هنجارهای مشترک و تعامل متقابل داشته باشد و نشان داده شده است که تأثیر قابل توجهی بر سیاست عمومی دارند. سرمایه اجتماعی می‌تواند از طرق مختلفی بر سیاست‌های عمومی تأثیر بگذارد. اولاً، جوامع با سطوح بالای سرمایه اجتماعی اغلب قادر به بسیج و دفاع از منافع خود به طور مؤثرتری هستند. این می‌تواند منجر به سیاست‌هایی شود که نیازها و ترجیحات جامعه را بهتر منعکس کند. علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی قوی می‌توانند انتشار اطلاعات و ایده‌ها را تسهیل کنند و به بحث‌های سیاستی آگاهانه‌تر و فراگیرتر اجازه دهند. علاوه بر این، سطوح بالای سرمایه اجتماعی با سطح اعتماد بیشتر به نهادها و بین شهروندان همراه است که می‌تواند اثربخشی و اجرای سیاست‌های عمومی را افزایش دهد. اعتماد و همکاری در یک جامعه همچنین می‌تواند نیاز به مداخله دولت در زمینه‌های خاص را کاهش دهد، زیرا افراد و گروه‌ها احتمال بیشتری برای خود تنظیمی و حل مشکلات به صورت جمعی دارند. در مقابل، سطوح پایین سرمایه اجتماعی می‌تواند چالش‌هایی را برای سیاست‌های عمومی ایجاد کند. جوامعی که پیوندهای اجتماعی ضعیفی دارند ممکن است برای دفاع مؤثر از منافع خود تلاش کنند، که منجر به سیاست‌هایی می‌شود که گروه‌های به حاشیه رانده شده یا کم‌نمایش را نادیده می‌گیرند. علاوه بر این، سطوح پایین اعتماد و همکاری می‌تواند مانع اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها شود، زیرا ممکن است افراد تمایل کمتری به رعایت یا همکاری داشته باشند. در نتیجه، رابطه بین سرمایه اجتماعی و سیاست عمومی پیچیده و چند وجهی است. درک و استفاده از سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به سیاست‌های عمومی پاسخگوتر، فراگیرتر و مؤثرتر شود که بهتر به نیازهای جوامع مختلف پاسخ دهد. به این ترتیب، سیاست‌گذاران باید در هنگام طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی، پیامدهای سرمایه اجتماعی را در نظر بگیرند.

تئوری انتخاب عقلانی معتقد است که افراد بر اساس ارزیابی منطقی از هزینه‌ها و منافع تصمیم می‌گیرند و هدف آنها به حداکثر رساندن منافع شخصی خود است. در چارچوب سیاست‌گذاری، رویکرد عقلانی می‌تواند سرمایه اجتماعی را از طریق مختلف در جامعه ارتقا دهد: ایجاد انگیزه برای اقدام جمعی؛ طراحی منطقی خط‌مشی می‌تواند مشوق‌هایی برای افراد و گروه‌ها برای مشارکت در اقدام جمعی باشد که سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند. به عنوان مثال، ارائه مشوق‌های مالیاتی برای مشارکت اجتماعی، داوطلب شدن، یا شرکت در پروژه‌های بهبود محله می‌تواند افراد را تشویق کند تا در بافت اجتماعی جوامع خود مشارکت کنند. توانمندسازی سازمان‌های جامعه مدنی؛ سیاست‌گذاری منطقی می‌تواند منابعی را برای حمایت از سازمان‌های جامعه مدنی که سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند، تخصیص دهد. سیاست‌گذاران با تأمین بودجه و حمایت نهادی از

سازمان‌هایی مانند مراکز اجتماعی، باشگاه‌ها و انجمن‌های محله‌ای می‌توانند توسعه شبکه‌های اجتماعی و روابطی را که اساس سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، تسهیل کنند. ۳. ارتقای اعتماد و همکاری: سیاست‌های منطقی که شفافیت، انصاف و پاسخگویی را در نهادها ترویج می‌کند، می‌تواند اعتماد و همکاری را در میان شهروندان افزایش دهد. زمانی که افراد درک کنند که فرآیند سیاست‌گذاری منصفانه است و به نیازهای آنها پاسخ می‌دهد، احتمال بیشتری دارد که در فعالیت‌های مدنی شرکت کنند و سرمایه اجتماعی ایجاد کنند. ۴. تشویق به اشتراک‌گذاری اطلاعات: سیاست‌گذاری منطقی می‌تواند تبادل اطلاعات و دانش را در جوامع تسهیل کند. این را می‌توان از طریق ابتکاراتی مانند کمپین‌های اطلاع‌رسانی عمومی، برنامه‌های آموزشی و دسترسی به منابع جامعه، که می‌تواند به توسعه هنجارها و ارزش‌های مشترک که زیربنای سرمایه اجتماعی است، کمک کند. ۵. پرداختن به مشکلات اقدام جمعی: مداخلات منطقی سیاست می‌تواند موانع خاصی را برای اقدام جمعی، مانند مشکلات سواره آزاد و چالش‌های هماهنگی، هدف قرار دهد. سیاست‌گذاران با پرداختن به این موانع از طریق سیاست‌های هدفمند، مانند تأمین کالاهای عمومی یا ایجاد مکانیسم‌هایی برای تصمیم‌گیری جمعی، می‌توانند محیطی مساعد برای شکل‌گیری و حفظ سرمایه اجتماعی ایجاد کنند. به طور خلاصه، یک رویکرد منطقی به سیاست‌گذاری می‌تواند سرمایه اجتماعی را در جامعه از طریق ایجاد انگیزه برای اقدام جمعی، توانمندسازی سازمان‌های جامعه مدنی، ارتقای اعتماد و همکاری، تشویق به اشتراک‌گذاری اطلاعات و رسیدگی به مشکلات اقدام جمعی ارتقا دهد. با شناخت نقش سرمایه اجتماعی در دستیابی به اهداف جمعی و تمرکز بر سیاست‌هایی که پیوندها و شبکه‌های اجتماعی را تقویت می‌کنند، نظریه انتخاب عقلانی می‌تواند به توسعه جوامع انعطاف‌پذیرتر و منسجم‌تر کمک کند.

فهرست منابع:

- ۱- بدریکوهی، احسان، (۱۳۹۷)، به سوی نسل چهارمی از نظریه های انقلابی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸ شماره ۲۷، ص ۳۸۱-۴۲۲
- ۲- ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر، (۱۳۸۵)، فرهنگ و سیاست گذاری در ایران، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره دوم، شماره ۵، ص ۲۱۳-۲۳۴
- ۳- ماکویی، سویل، (۱۳۸۷)، مدل های تحلیل سیاست گذاری عمومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۹، ص ۴۳-۷۴
- ۴- رهبر، عباسعلی و حیدری، فاطمه، (۱۳۹۰)، تاثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقا سیاست گذاری، نشریه: مطالعات روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، دوره ۴، شماره ۱۴، ص ۲۱۹-۲۵۳

- ۵- هاشم زهی، نوروز و اصغری، انسیه، (۱۳۹۸)، جهانی شدن و سرمایه اجتماعی (جامعه مورد مطالعه: شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال)، مطالعات جامعه شناسی، سال یازدهم، شماره چهل و سوم، ص ۱۲۹-۱۴۵
- ۶- رشتیانی، آذر، سیف اللهی، سیف اله، توسلی، غلامعباس، جوادی یگانه، محمدرضا، (۱۳۹۶)، زمینه‌های جامعه شناختی شکل‌گیری و گسترش شهروند جهانی در بین جوانان، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۳۵، ص ۲۸-۲۹
- ۷- فرهادی، محمد، (۱۳۹۶)، تبیین اقتصادی جدایی‌طلبی کاتالونیا از اسپانیا بر مبنای رویکرد انتخاب عقلانی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۱۹۶-۱۲۲

- 1- Daguptha, Partha & Serajeildin Ismail, (1999), **Social Capital: A Multifaceted Perspective**, World Bank, Washington D.C.
- 2- Evans, Peter. (1996), **Government Action, Social Capital and Development: Reviewing the Evidence on Synergy**, World Development, 24 (5).
- 3- Sen, Amartya. (2000), **Social Exclusion: Concept, Application and Security**, **Social Development Papers**, No. 1, Office of Environment and Social Development, Asian Development Bank.
- 4- Jurian Edelenbos, Ingmar van Meerkerk, Joop Koppenjan, (2021), **The challenge of innovating politics in community self-organization: The case of Broekpolder**, Publisher Routledge (Taylor & Francis Group), London.
- 5- Xin Liu, Chaobo Zhou, Ying Li and Fei Fang (2025). "How economic stability shapes social relationship expenditures: Moderating effects of health and education" [International Review of Economics & Finance Volume 99](https://doi.org/10.1016/j.iref.2025.104041), April 2025, 104041, <https://doi.org/10.1016/j.iref.2025.104041>

Promotion of social capital Through rational choice in public policy

Abstract

Public policymaking is a manifestation of rationality and the choice of strategy for reforming affairs and the development and welfare of society, and the interaction of policymaking and social welfare takes place at the intersection of the allocation of material and spiritual resources. Public policymaking is a part of the movement of rationalizing social life, a tool for human domination over the complexity of the world, and a product of the interaction of bureaucrats, elites, groups and socio-economic classes, whose main goal is to achieve sustainable development. The main function of public policy-making is to organize the relations of various economic-social sectors (health, agriculture, industry, foreign relations, etc.) with the authority of the political power. Policymaking science is the missing link that helps researchers in empirically understanding the complexity of government legislation and its nature. The amount of social capital is very important in the implementation of public policy; High social capital guarantees the successful implementation of public policies, among which the benefit of citizens is the basic principle of this implementation guarantee. Therefore, maximizing the interests of citizens within the framework of rational choice theory can be the basis for the success of public policies. Assuming the role of rational choice theory in public policy, this article seeks to answer the question of how rational choice can lead to the increase of social capital and the success of public policies. This article, with descriptive analytical method, deals with how to improve social capital through rational choice in public policy.

Keywords:

social capital, public policy, rational choice, government, sustainable development.